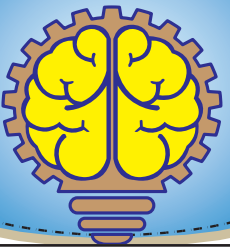


با قانون زندگی کنیم

مدعی علیه باید معلوم و مشخص یا محصور در میان عده ای معین باشد.



● ماده ۲۲۹ قانون مجازات اسلامی ●

خورشید فروزان آسمان حکمت و فضیلت

گذری بر حیات پر بار علامه سید محمد حسین طباطبایی (رحمه الله علیه)

نویسنده: شکرالله جهان مبین / مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم و بهره مند از محضر علامه طباطبایی در دهه ۱۳۴۰

قسمت چهارم



۱. پروفیسور دکتر سید حسین نصر معتقد است که قلم، قاصر از معرفی شخصیت بزرگ علامه طباطبایی است و کلام نمی تواند مراتب کمال و فضل و مقام روحانی ایشان را توصیف کند. او که خود به مرتبه وصال به حقیقت نایل آمده است، مانند مشعلی نورانی اطراف خود را منور ساخته و به حیات فکری و معنوی بسیاری از شاگردان و خوانندگان آثار خود روح و جهت و معنی بخشیده است.

۲. آیت الله سبحانی می نویسد استاد فقید علامه طباطبایی، عرفان علمی را با عرفان عملی توأم کرده و حقایق عرفانی را به حق چشیده بود و آنچه را که عرفا در کتب های عرفانی مدعی آن هستند به خوبی درک کرده و عملاً نیز مراحل را طی کرده بود.

۳. آیت الله نوری می نگارد علامه طباطبایی از جهت بعد علمی شناخته شده است ولی این دریای کمالات روحی از نظر عرفانی و بعد روحی کاملاً شناخته نشده است و کمتر غواصی از غواصان علم و تحقیق توانسته است به اعماق این دریای تالطم و موج پی ببرد.

او در زمینه تزکیه نفس و سیر و سلوک و عرفان راه هایی را پیمود و از مراحل گذشت که فقط نوادر روزگار توانسته اند آن راه ها را بیمایند و از آن مراحل بگذرند.

۴. آیت الله مکارم شیرازی نیز نوشته است عشق فوق العاده علامه طباطبایی به قرآن مجید و خدمات پر ارزش او نسبت به این هدیه الهی سبب نورانیت و صفای فوق العاده روح این مردم بزرگ بود تا آنجا که رئیس بیمارستانی که آیت الله طباطبایی در روزهای آخر عمرش در آنجا بستری بود در پاسخ سوال من که از حالات آن بزرگوار پرسیدم گفت گر چه حافظه خود را در امور مادی از دست داده اند اما پیوندشان با خدا و عالم معنویت بسیار محکم است گویی از ناسوت بریده و به ملکوت پیوسته است.

۵. آیت الله امینی معتقد بود استاد علامه در مراتب عرفان و سیر و سلوک معنوی مراحل را پیموده بود اهل ذکر و دعا و مناجات بود در

در همان روزهای اول قبل از اینکه در جلسه درسی شرکت کرده باشم در منزل نشسته بودم و به آینده فکر می کردم. نگاه در خانه را زدند، در را باز کردم، دیدم یکی از علمای بزرگ است. سلام کرد و داخل منزل شد و خیر مقدم گفت. چهره ای داشت بسیار جذاب و نورانی، با کمال صفا و صمیمیت به گفت و گو نشست و با من انس گرفت. در ضمن اشعاری برایم خواند و سخنانی بدین مضمون برام گفت: «کسی که به قصد تحصیل به نجف می آید خوب است علاوه بر تحصیل به فکر تهذیب و تکمیل نفس خویش نیز باشد و از نفس خود غافل نماند». این را فرمود و حرکت کرد.

علامه اضافه می کند که من در آن مجلس شیفته اخلاق و رفتار اسلامی او شدم. سخنان کوتاه و با نفوذ آن عالم ربانی چنان در دل من اثر کرد که برنامه آینده ام را شناختم و تا مدتی که در نجف بودم محضر آن عالم بنا تقوا را رها نکردم. در درس اخلاقی شرکت می کردم و از محضرش استفاده می کردم، آن دانشمند بزرگ حاج میرزا علی آقا قاضی (رضوان الله علیه) بود.

۲. بشارت غیبی قاضی به علامه و همسرش

آیت الله سبحانی می نویسد: حضرت علامه روزی از کرامات استاد خود مرحوم قاضی سخن می گفت در ضمن مطالب این داستان را یاد آور شد که: من و همسر از خویشاوندان نزدیک مرحوم حاج میرزا علی آقا قاضی بودیم، او در نجف برای صلح رحم و تفقد از حال ما، به منزل ما می آمد. ما کرا را صاحب فرزند شده بودیم ولی همگی در همان دوران کوچکی فوت کرده بودند. روزی مرحوم قاضی به منزل ما آمد در حالی که همسرم حامله بود و من از وضع او آگاه نبودم، موقع خداحافظی به همسرم گفتم: «دختر عمو! این بار فرزند تو می ماند و او پسر است و آسبیبی به او نمی رسد و نام او عبدالباقی است.» علامه افزود: من از سخن مرحوم قاضی خوشحال شدم و بعد خدا به ما پسری لطف کرد و بر خلاف کودکان قبلی باقی ماند و آسبیبی به او نرسید و نام او را عبدالباقی گذاشتم.

۳. سفارش موکد قاضی به نماز اول وقت و نماز شب

آیت الله بزدی می گوید: مرحوم علامه طباطبایی و آیت الله العظمی بهجت از مرحوم عارف فرزانه قاضی (رحمه الله علیه) نقل می کردند که ایشان می فرمودند: اگر کسی نماز واجبش را در اول وقت بخواند و به مقامات عالیّه نرسد مرا لعن کنند! (یا فرمودند به صورت من نقل می یابند).

و نیز استاد علامه می فرمودند: چون به نجف اشرف برای تحصیل

فصل کاشت در خشت (خیش)

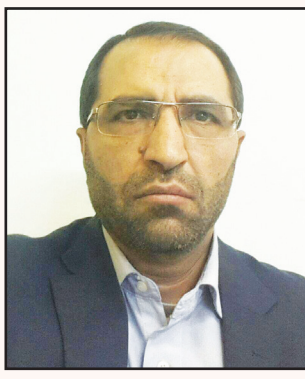
گردآورنده: مجتبی بهادری

کاشت با استفاده از ابزارهای ساده و به کمک چهارپایان از جمله گاو انجام می شود. مردم خشت در کارهای کشاورزی نیز گاوهای نر (ورزا) را جهت شخم به کار می گرفتند، شخم زدن زمین را در اصطلاح محلی خیش می گفتند. خیش ها وسیله ای ساخته شده از چوب و آهن بود که معمولاً آن را از کازرون خریداری می کردند. ابزارآلات به کار رفته در شخم زدن سنتی همه از چوب هستند به جز نوک فولادی آن که وظیفه دارد با نفوذ در عمق خاک و زیر زمین و رو کردن خاک، کار شخم زمین را انجام دهد که در اصطلاح محلی به آن «سهل» می گویند. خیش ها را معمولاً متناسب با توانایی و وضعیت جسمی گاوها خریداری می کردند. از اینجاست که اسم گاو و آهن ترکیب شد و اسم مرکب «گاو آهن» را تشکیل داد که البته این نامگذاری آتقدر هم نمی تواند قدیمی باشد. خیش کردن زمین عبارت بود



مدیریت آموزش و پرورش و چالش های پیش روی آن

علیرضا مختاری - کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی



بنابراین یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش توجه به معلم و ایجاد فضایی مناسب برای آنان است؛ باید تحول را از معلمان شروع کرد. شان و منزلت معلم در صورتی نمود عینی پیدا می کند که جایگاه معلم در فرآیند تصمیم گیری تعریف و در نگاه مدیران به عنوان یک باور قلبی پذیرفته شود. تا زمانی که تمامی تصمیمات مدیران حوزه باید توسط معلمان در مدرسه به مرحله اجرا دربیاید تحول معنا و مفهومی ندارد. تا زمانی که معلم دغدغه مسائل رفاهی و معیشتی دارد و در تأمین مایحتاج زندگی با مشکل روبرو است و به ناچار باید شغل دوم یا سوم نیز داشته باشد انتظار کارآمدی و اثربخشی از او بیشتر شبیه آرزو است تا واقعیت.

۳. یکی دیگر از معضلات و چالش های فراروی ساختار آموزش و پرورش کشورمان مدیریت متمرکز در این سیستم است. سازمان های متمرکز آموزش همواره به خاطر کنندی در انجام کارها، بی توجهی یا کم توجهی بدون مدیریت و پرورش هنوز در گردونه آزمایش و خطا گرفتار است. آنچه در پی می آید برخی از مهمترین معضلات و چالش های پیش روی مسئولین و دست اندرکاران آموزش و پرورش استان و وزارت متوجع در سطح کلان جامعه می باشد که توجه به آنها ضروری بوده و برطرف کردن هر یک نیازمند دقت و توجه کافی و برنامه ریزی دقیق و کارشناسانه است.

۱. تغییر مدیران و اعمال سلیقه در نظام آموزشی یکی از معضلاتی است که همواره دامنگیر آموزش و پرورش ما بوده و هست. اغلب برنامه ها و تصمیمات اتخاذ شده با تغییر مدیران دستخوش تغییر و تحول می شود. نگاه های سلیقه ای، صدور بخشنامه ها و آیین نامه های متعدد، گرفتاری در وادی سلیاق شخصی و تن دادن به آزمون و خطا ضربات جبران ناپذیری را بر پیکره نظام آموزشی وارد کرده است.

۲. یکی از مهمترین معضلات آموزش و پرورش توجه ناکافی به معلمان است. بدون توجه به معلمان نمی توانیم تحول بنیادی در آموزش و پرورش ایجاد کنیم؛ زیرا تحول را باید از معلمان شروع کرد و بی توجهی به این امر باعث شده که بحث چند شغله بودن معلمان مطرح شود به گونه ای که یک معلم در یک زمان در یک مدرسه مشغول تدریس است اما ساعتی دیگر باید سریعاً خود را به نقطه ای دیگر برساند و به تدریس در کلاس های خصوصی در این آموزشگاه و آن آموزشگاه مشغول شود. همین امر باعث کاهش اشتیاق و نشاط کار و فعالیت در معلمان شده و موجب شده آنها فقط به فکر تدریس و شیوه ای باشند که دانش آموز نمره قبولی بیاورد. در چنین سیستمی نوآوری و خلاقیت و ابتکار از معلم و دانش آموز گرفته می شود.

به نیازها و فرهنگ منطقه ای و تلاش و تثبیت وضعیت موجود نمی توانند تحولی نو در سراسر کشور ایجاد کنند. کلیه تصمیمات، خط مشی ها و برنامه ریزی های سازمان در یک جا اتخاذ و تنظیم و برای اجرا به سایر مناطق ابلاغ می شود و مدیریت های مناطق و مدارس در واقع گردانندگان صرف بخشنامه ها و آیین نامه های هستند که خود حق اضافه کردن یا کم کردن یک سطر به آن را ندارند. در چنین شرایطی نباید انتظار اجرای موفق برنامه ها را از کسانی داشته باشیم که خود هیچ نقشی در تهیه و تدوین آن نداشته اند.

۴. توجه و نگاه کلی به کمیت ها در آموزش و پرورش موجب شده آموزش و پرورش ایران آتقدر به حاشیه های سرگرم کننده از قبیل نوسازی و تجهیز مدارس، معیشت،

مدیریت آموزش و پرورش و چالش های پیش روی آن